

معراج پیامبر اعظم (ص) از دیدگاه عقل و وحی و آثار تربیتی آن

<?xml encoding="UTF-8">

بحث از واقعه شگفت انگیز و محیر العقول «معراج پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - از جمله مباحث جنجال برانگیزی به شمار می آید که از دیرباز تاکنون بر سر زبان و قلم دوست و دشمن جریان داشته است. برخی از دانشمندان و مفسران به فراخور بضاعت و توان علمی خود، در این زمینه مطالبی را به رشته تحریر درآورده و دیدگاه های خود را مطرح ساخته اند. آن چه نگارنده را در این مجال بر این تحقیق واداشت ارائه تحلیلی کوتاه، رسا و نسبتاً جامع از دو بعد عقل و وحی و گذری بر آثار تربیتی پدیده معراج است که برای عموم مخاطبان در سطوح مختلف نیز قابل استفاده و درک بوده و در سالی که به نام پر برکت پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - مزین شده است، خدمتی ناچیز به روح ملکوتی و بلند آن مقام عظمی و عبد حقیقی باری تعالی قلمداد گردد. پدیده معراج از آن جهت برای همگان اعجاب برانگیز به شمار می آید که خاستگاه اصلی آن، جسمانیت معراج پیامبر - صلی الله علیه و آله - به عوالم دیگر باشد. شکی نیست که اگر این واقعه تاریخی و سیر آسمانی، مربوط به روح پیامبر یا تنها مربوط به عالم رؤیا باشد، برای هیچ شخصی، جای تعجبی باقی نگذاشته و هیچ کس در مقام انکار آن بر نیامده و در حقیقت نقطه افتخاری برای مقام شامخ پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - قلمداد نخواهد شد.

از این رو، تمام دغدغه ما در این نوشتار بر اثبات معراج آسمانی پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - با هر دو بعد جسم خاکی و روح ملکوتی اوست که در دیدگاه دانشمندان اسلامی، حقیقتی قابل قبول و اثبات برای دیگران بوده و در طول تاریخ اسلام نیز پیوسته مورد تحلیل برخی از دانشمندان اسلامی قرار گرفته است. در آغاز به بررسی جایگاه عقلی این حادثه عظیم تاریخی قبل از استناد به قرآن و احادیث، و تحلیل عقلانیت آن می پردازیم.

معراج پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از دیدگاه عقل

در ابتدای امر عقل آدمی غیر قابل باور می داند که روح انسان با بدن خاکی او در همه شرایط همگام بوده و او را در همه جا همراهی نماید. آن چه مسلم و قابل درک است همان مقدار از همراهی عمومی و عادی است که در عموم انسان ها قابل اتفاق است؛ همانند همراهی روح و بدن در عالم رؤیا و پیمودن مراتب مختلف هستی در محدوده رؤیا یا همراهی روح و بدن در مسائل روزمره زندگی و کارهای عادی که توسط جسم انسان و با نظارت روح و جنبه تدبیری آن انجام می پذیرد.

اما تبعیت جسم خاکی از روح در غیر از محدوده دنیا، امری غیر معهود و غیر مأنوس بوده و نمی توان با قواعد ظاهری و فهم عمومی بشر به سادگی به ادراک آن دست یازید، ولی از آن جا که ما این مطلب را امری مسلم و قابل تحقق می دانیم جا دارد چند توجیه عقلانی را برای آن بیان کنیم.

الف: برخی از فیلسوفان بزرگ اسلامی بر این باورند که جسمانی بودن معراج با شکوه پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - بدین سان قابل توجیه است که تبعیت بدن از احکام روح در همه انسان ها، برابر نیست. در برخی افراد عادی، روح متوجه به امری است و ایجاد آن را مطالبه می کند اما بدن آنها به نافرمانی از روح پرداخته و از

احکام آن تمکین نمی کند، این قانون در خصوص بدن مبارک پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - صادق نبوده و درباره ایشان، موضوع کاملاً بر عکس است دلیل آنان بر این مدعا، این است که جسم مبارک پیامبر - صلی الله علیه و آله - در نهایت لطافت بوده و همانند آن را در اجسام دیگر نمی توان جویا شد، و بنابر قاعده «اشتراک معنوی وجود» که از قواعد مهم عقلی به شمار می آید افق هر بدنی از حیث مرتبه وجود، مرتبط و متصل به افق وجودی روح بوده و تناسب مستقیمی بین جسم و روح یک انسان حکم فرماست. این قاعده در خصوص پیامبر - صلی الله علیه و آله - به نحو اعلی و اتم قابل تطبیق است؛ زیرا روح بلند ایشان به سبب بالا بودن و تسلط کاملش بر بدن خود، باعث عروج جسمانی بدن، به ملکوت و آسمان ها، شده است.

ایشان در جای دیگر می گوید: چون رسول اعظم - صلی الله علیه و آله - به مقام محبوبیت کامل و مرتبه «قرب الفرائض» در درگاه خداوند یازیده است و در حقیقت، از مرتبه محب بودن به محبوبیت رسیده است، بسیار بجا بود که از یک سو خداوند متعال، محبوب خود را به منزلگاه خود یعنی به عوالم هستی که ملک واقعی اوست، دعوت کرده و از سوی دیگر، چنین دعوتی نیز اقتضا دارد که مدعو این میهمانی با شکوه قادر و محیط بر پیمودن تمام آن عوالم باشد.

ب: با توجه به آن که بیشتر مکتب ها و مذهب های مختلف، اصل وجود شیطان در عالم هستی و وسوسه های او در دل های آدمیان را به خوبی قبول دارند، عقل انسان حکم می کند که وقتی حرکت و وسوسه های سریع و ما فوق تصور، شیطان به عنوان موجودی مطرود از درگاه قرب الهی، برای بشر امری پذیرفته شده محسوب شده است، درباره معراج (سیر شبانه) بزرگ ترین انبیای الهی و محبوب ترین انسان های عالم، چنین سیری نمی تواند مورد تشکیک واقع شود.

ج: هنگامی که از دیدگاه قرآن، حرکت سلیمان توسط باد، به مکانهای دوردست در فاصله های زمانی کوتاه، امری مسلم انگاشته شده است، عقل ما می تواند به خوبی این مطلب را درک کند که حرکت سریع و نامریی ای همانند حرکت باد، امری ممکن می باشد. و از همین روست که سیر معراجی پیامبر - صلی الله علیه و آله - می تواند امری معقول و قابل ادراک به شمار آید.

د: عقل انسان در پدیده ای نظیر معراج، به تنهایی می تواند به این نتیجه دست یابد که چنین پدیده خارق العاده ای نمی تواند جنبه عادی و طبیعی داشته و مسلماً می بایستی دست نیروی مافوق نیروی تمام بشر، پشت این پدیده موجود باشد و آن نیرو، جز نیروی خدایی و ماوراء طبیعی نیست که رسول اعظم - صلی الله علیه و آله - خود را بدان مقام بلند نایل کرده باشد.

س: از دید دانشمندان عصر فن آوری، این فرضیه علمی پذیرفته شده است که امواج جاذبه زمین بدون نیاز به زمان و در لحظه ای کوتاه می تواند از یک سوی جهان به سوی دیگر آن انتقال یافته و تأثیرات خود را بر جای گذارد. وقتی احتمال این که در حرکات رو به تکامل هستی، منظومه هایی وجود دارند که با سرعتی چشمگیرتر از سرعت نور از مرکز و قطب عالم دور می شوند، و هنگامی که چنین پدیده های ما فوق تصور عقل در جهان قابل تحقق می باشند، پدیده ای نظیر معراج نیز محال عقلی نبوده و با اصول علمی عصر جدید قابل انطباق و توجیه است.

ش: هنگامی که انسان به اشیاء دیگر نگاه می کند، در واقع، با شعاع نوری که از چشمان او ساطع می شود، بدان چیزی که بدان نگریسته، اتصال پیدا کرده است؛ مثلاً انسان هنگامی که از روی زمین، منظومه ای را که هزار سال نوری از او دورتر است مشاهده می کند، در واقع، به آن منظومه اتصال پیدا کرده است. در چنین فرضی، هنگامی

که چنین سرعت بسیار زیاد و لطیفی در یک لحظه می تواند به وقوع بپیوندد، سیر معراجی پیامبر نیز امری ممکن و قابل قبول قلمداد شده و می تواند امری معقول، محسوب شود.

پس از اثبات عقلی پدیده معراج، به برخی از آیات و احادیث مربوط به آن اشاره می کنیم:

1 - «سبحان الذی أسرى بعبدہ لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الأقصى الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا انه هو السميع البصیر»

«پاک و منزّه است خدایی که بنده خود را شبی از مسجد الحرام تا مسجد الاقصایی که اطراف آن را مبارک و پر نعمت گردانیدیم، حرکت داد تا نشانه های عظمت خود را به او بنمایانیم، به درستی که خداوند شنوا و بیناست.»

در این آیه دو نکته در خور توجه است :

الف: از عبارات لغت شناسان استفاده می شود، اسراء به معنای حرکت و سیر شبانه است، بر خلاف سیر که به مسافرت در روز گفته می شود.

ب: هر چند در تعیین مصداق واژه مسجد الاقصی در میان برخی از مفسران، اختلاف نظر وجود دارد، اما عمده آنان بر این باورند که مقصود از مسجد الاقصی، همان بیت المقدس است. مرحوم علامه طباطبایی درباره نام گذاری بیت المقدس به مسجد الاقصی، معتقد است که چون مسافت میان بیت المقدس و محل زندگی پیامبر - صلی الله علیه و آله - و مخاطبان اطراف وی دور بوده است، به آن مکان، مسجد الاقصی گفته شده است.

2 - «و لقد رآه نزلۃ اخری عند سدرۃ المنتهی عندها جنة المأوی اذ یغشی السدرۃ ما یغشی، ما زاغ البصر و ما طغی، لقد رآی من آیات ربه الکبری»

«یک بار دیگر نیز آن را مشاهده نمود در نزد سدرۃ المنتهی، پیش سدرۃ المنتهی، جایگاه بهشت است، آن گاه که سدرۃ را می پوشاند آن چه می پوشاند، چشم محمد منحرف نگردید و طغیان نکرد، به تحقیق او نشانه های بزرگ پروردگارش را مشاهده نمود.»

بنابر نظر اکثر مفسران، می توان از این آیات، استفاده کرد که معراج شگفت انگیز پیامبر - صلی الله علیه و آله - در بیداری به وقوع پیوسته است. توجه به مفاهیمی همانند «مازاغ البصر و ما طغی» «به خوبی می تواند ما را به این دیدگاه رهنمون سازد.»

معراج در احادیث، از جمله پدیده هایی است که به صورت مکرر مورد تصریح قرار گرفته و جای هر گونه تردید و انکار را درباره این پدیده مسدود کرده است؛ تا بدان جا که علامه مجلسی بر این باور است که اگر ما بخواهیم احادیث وارده در این زمینه را در یک مجموعه جمع آوری کنیم به کتاب بزرگی تبدیل خواهد شد. در نگاه علامه طباطبایی نیز این احادیث به درجه تواتر رسیده و راه جدال و تشکیک را بر همگان بسته است. قضیه معراج نزد دانشمندان اسلامی از چنان روشنی و قطعیت برخوردار است که برخی از آنان بر این باور بوده اند که معراج، از ضروریات دین، و منکر آن کافر است.

برخی از دانشمندان بزرگ شیعه پا را از این مقدار فراتر نهاده و فرموده اند اقرار به معراج پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - به آسمان هفتم و عوالم دیگر از ویژگیهای مذهب امامیه است در این مجال به دو نمونه از احادیث معراج توجه کنید:

1 - «... عن الرضا - علیه السلام - أنه قال من کذب بالمعراج فقد کذب رسول الله - صلی الله علیه و آله - .»

«امام رضا - علیه السلام - فرمود: کسی که معراج را انکار کند، در واقع پیامبر - صلی الله علیه و آله - را تکذیب

کرده است.»

2 - «عن ابی عبدالله - علیه السلام - قال لما عرج رسول الله - صلى الله عليه و آله - انتهى به جبرئیل الی مکان فخلی عنه فقال له: یا جبرئیل تخلینى علی هذه الحالة؟ فقال: أمضه فوالله لقد وطئت مکانا ما وطئه بشر و ما مشى فیه بشر قبلک.»

«امام صادق - علیه السلام - درباره پیامبر اکرم - صلى الله عليه و آله - می فرماید هنگامی که حضرت به معراج رفتند به مکانی رسیدند که جبرئیل ایشان را در آن جا همراهی نکرد، او را تنها گذارد، پیامبر پرسید: ای جبرئیل! آیا مرا در این حال تنها می گذاری؟ جبرئیل در پاسخ گفت: به خدا قسم به مکانی قدم نهاده‌ای که هنوز پای هیچ بشری قبل از تو بدان جا نرسیده است.»

آثار تربیتی معراج

بی گمان واقعه معراج، علاوه بر آن که می بایستی به عنوان نقطه عطف بزرگ در تاریخ اسلام و بشر، با اراده حتمی الهی به وقوع بپیوندد و تا روز رستاخیز ذره ای از عظمت آن کاسته نشود، و برای تمام ملت های دنیا، مایه شگفتی شود . می بایستی دارای آثار سازنده و نتایج پربراری نیز باشد. اگر ما از این زاویه به این پدیده منحصر به فرد نگاهی بیفکنیم و تمام وقایعی که پیامبر گرامی اسلام آنها را به عنوان مشاهده های خود برای انسانها بیان کرده است، دقت کنیم و در گفتگویی که آن وجود نازنین با محبوب حقیقی خود خدای متعال در شب معراج داشته، تأمل بورزیم، می توانیم آثار تربیتی فراوانی بیابیم که در خور توجه و برای همگان قابل استفاده است؛ مشروط به این که به عنوان یک داستان تاریخی به آن ننگریم، که اگر چنین نباشد، نه تنها آثار سازنده ای در بر ندارد، چه بسا در برخی از انسانها ، که تنها معراج و مسائل مربوط به آن را به صورت تاریخی از نظر گذرانده اند، آثار مخربی نیز بر جای خواهد گذاشت که موجب قساوت و سنگدلی آنان نیز خواهد شد: «و لا یزید الظالمین الا خسارا»

پیامبر اعظم - صلى الله عليه و آله - به عنوان سرسلسله مخلوقات هستی، هنگامی که تصمیم گرفت برخی از مشاهده های خود را حکایت کنند به شدت گریستند. آیا این حزن و اندوه پیامبر، نشان دهنده جدی بودن آن قضایا درباره برخی از مسلمانان نیست که می بایستی به پاره ای از مسائل، به صورت جدی نگاه کرد و بیشتر تأمل کرد و پیش از آن که گریبان ما در برزخ و قیامت به آثار سوء برخی از کردارمان، گرفتار شود، خودمان به فکر آینده خود باشیم؟ آری چه زیبا گفتند که «همواره سعی کنید غلط هایی را که در املاي زندگی نگاشته اید تصحیح کنید تا از نمره سرنوشتتان کم نشود.» و این که «هر صعود و ترقی از یک نقطه آغاز می شود، بهتر است این نقطه را از همین امروز آغاز کنیم.»

در حدیث معراج که متن گفت وگویی خدای متعال، با دوست خود، پیامبر اعظم - صلى الله عليه و آله - است، آموزه های انسان ساز دینی با الفاظ بسیار زیبایی به تصویر کشیده شده است، به گونه ای که هر بخش از آن در خور توجه ویژه از سوی هر انسان مسلمانی است. ما در خاتمه این نوشتار کوتاه، چند بخش کوتاه از آن را مورد بررسی قرار می دهیم.

در قسمتی از این گفت و گو خداوند متعال به پیامبر خود نکته ای را گوشزد می کند که امروز در بیشتر جامعه های بشری مورد بی مهری قرار گرفته و نقطه مقابل آن ترویج می شود، آن نکته این است:

«یا احمد محبتی محبة الفقراء فادن الفقراء و قرب مجلسهم و أبعد الأغنياء و أبعد مجلسهم عنک فان الفقراء

أحبائي»

«تمام محبت من در جامعه به فقیران آن جامعه است. پس تو ای پیامبر! با فقیران مأنوس باش و در مجلس آنان رفت و آمد کن، از مال اندوزان و ثروتمندان دور باش و در مجالس آنان نشست و برخاست نکن. این را بدان که دوستان من در روی زمین، تنها فقیران هستند.»

از این سخن استفاده می شود آن چه در نظر خالق هستی دارای ارزش است توجه به خدا و جامعه است نه ثروت اندوزی و تجمل پرستی که همواره انسان را از حقیقت دور ساخته و موجب تضییع برخی از حقوق ضعیفان جامعه شده و در نهایت ناخشنودی خدا را به همراه می آورد. اگر ما از این زاویه به قرآن و احادیث بنگریم به خوبی در می یابیم که تجمل پرستی و دنیاطلبی مورد نکوهش فراوان قرار گرفته است و در بیشتر موارد باعث کم وزن گردیدن واقعی انسان و معنویت وی می شود. به چند نمونه کوتاه توجه کنید:

1 - «يا ايها الناس ان وعد الله حق فلا تغرنكم الحياة الدنيا و لا يغرنكم بالله الغرور»

«ای مردم! بدانید که وعده خداوند، حتمی است، پس زندگانی دنیا شما را گول نزند و مبادا [شیطان فریبکار] شما را به [کرم] خدا مغرور سازد.»

2 - در حدیث زیبایی از امام حسین - علیه السلام - آمده است که یکی از سرمایه داران مدینه خانه مجلی بنا کرده بود. از امام دعوت کرد تا از نزدیک، کاخ او را مشاهده کرده و وی را مورد تجلیل قرار دهد. هنگامی که پای امام حسین - علیه السلام - به آن منزل اشرافی و تجملی رسید، فرمود:

«أخربت دارک و عمرت دار غیرک، و غرک من فی الأرض و مقتک من فی السماء»

«آیا خانه آخرت خود را تخریب کردی و دنیای دیگران را آماده ساختی؟ هر انسانی تو را ستایش می کند و تمام موجودهای آسمانی تو را خوار و ذلیل می شمارند.»

3 - امام حسین - علیه السلام - روزی در کوچه های مدینه قدم می زد که نگاه او به یکی از خانه های با شکوه یکی از اهل دنیا افتاد و فرمود:

«رفع الطین و وضع الدین»

«مصالح ساختمان (گل) را روی هم گذارده و بالا برده و دین خود را پایین آورده است.»

در جای دیگر خداوند می فرماید:

«أحذر أن تكون مثل الصبی اذا نظر الى الأخضر و الأصفر و اذا أعطی شیئا من الحلو و الحامض اغتر به.»

«از این که مانند طفل باشی و سبز و زرد دنیا دل تو را برباید، پرهیز کن؛ از که پیوسته هر شیرینی و ترشی را بیابی و گول آن را بخوری برحذر باش.»

از این قسمت از سخنان معراج نیز استفاده می شود که انسان موجودی است که بایستی دارای ظرفیت بالایی در برخورد با مادیات و تجملات دنیا باشد، انسان نباید مانند یک طفل کوچک، آن قدر ضعیف باشد که زرق و برق دنیا بتواند از او دل ربایی کرده و ای بسا انسانیت، مروت و اخلاق انسانی را با مظاهر زیبنده دنیا، معاوضه کند.